

بررسی فقهی و حقوقی اقرار در فضای مجازی^۱

* شهربانو پورباقر *

** سید عسگری حسینی مقدم **

*** سید حسین ابراهیمیان ***

چکیده

شارع مقدس اسلام به منظور حفظ حقوق اشخاص و انتظام امور در دادرسی‌های قضایی اعم از حقوقی و کیفری و تحقق دادرسی عادلانه، قاعده «اقرار» را وضع نموده است. از احکام ضروری اسلام این است که وقتی شخص بر ضرر خود اقرار به امری نمود، اقرارش نافذ است و آنچه را که به آن اقرار کرده، عهده‌دار آن خواهد بود. بر این اساس، اقرار عبارت است از این که شخصی خبر دهد از حق ثابتی که دیگری بر او دارد. دلیلی که بتوان در باب حجیت اقرار به آن اعتماد نمود، حدیث نبوی مشهور است بدین مضمون که: «اقرار العقلاء علی انفسهم جائز». مضافاً به اشعار جمله‌هایی از آیات قرآن مجید: «...کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم...»، مطابقت این قاعده با سیره و روش عقلاء، دلیل دیگری بر حجیت آن است. یکی از مباحث مهم در اقرار، اقرار در فضای مجازی است. اقرار گاه در دادگاه و گاه در خارج از دادگاه رخ می‌دهد. بدون تردید اقرار در دادگاه که به آن اقرار قضایی گفته می‌شود، از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. اما سؤال این است که آیا اقرار در فضای مجازی در دادگاه قابل قبول است؟ ظاهراً ادله حجیت اقرار و با توجه به نظرات فقها اقرار باید حضوری و نزد امام (حاکم) باشد اما به نظر می‌رسد با توجه به اطلاق ادله و بنای عقلاء اقرار می‌تواند غیرحضوری و در خارج از دادگاه باشد و قید «عندالامام» از باب مفهوم لقب و مصداق غالب بوده و مفهوم مخالف ندارد. از این رو می‌توان گفت اقرار در فضای مجازی که به نوعی غیرحضوری است در صورتی که به طور قطع منتسب به مقرر باشد، از اعتبار برخوردار است.

کلید واژه‌ها: اقرار، فضای مجازی، حاکم، خارج از دادگاه، اقرار حضوری.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵

* دانشجوی دکتری گروه الهیات- فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
sherix45@gmail.com

** استادیار گروه الهیات- فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده
مسئول) dhoseini@gmail.com

*** استادیار گروه الهیات- فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران

۱- طرح مسأله

بدون تردید اقرار به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا از جایگاه ویژه ای برخوردار است اما با توجه به رشد روزافزون تکنولوژی و موضوعات مربوط به الکترونیک، ادله اثبات الکترونیکی مانند امضای الکترونیکی در قراردادهای تجارت الکترونیک مورد بحث قرار گرفته است. اقرار در فضای مجازی یکی از این موارد است. اصولاً اقرار بر اساس شیوه‌های بروز آن به صورت فعلی، لفظی، شفاهی و کتبی می‌باشد. در اینجا پرسش این است که اقرار در فضای مجازی در کدامیک از تقسیم‌بندی‌های گفته‌شده جای می‌گیرد؟ آنچه از مبانی فقهی و ماده ۱۲۶۰ قانون مدنی بر می‌آید این است که اقرار باید یا لفظ باشد اما با توجه به ماده ۱۲۸۰ قانون مدنی و نیز نظرات فقها اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی بوده و نافذ است. حال اگر اقرار به صورت الکترونیکی مانند ویدئو، ویدئو کنفرانس، تلفنی و نوشته باشد، آیا می‌تواند اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی قرار گیرد؟ و در این صورت آیا لازم است نزد حاکم باشد؟ یا اقرار به صورت غیر حضوری و در خارج از دادگاه نیز اعتبار دارد؟

۲- مفهوم شناسی

اقرار در کتب لغت به اذعان یا اعتراف به حق معنا شده است (جوهری، ۱۹۹۰، ۱، ۷۹۰). طبق ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود. این عبارت عین تعریف فقها از اقرار است که گفته اند: «هو اخبار حق علی نفسه» و یا در تعریف مشابه بیان شده است: «هو اخبار الانسان عن حق لازم له» (شهید ثانی، ۱۳۸۳، ۲، ۱۳۲).

با توجه به تعاریف به عمل آمده از اقرار به چهار عنصر «اخبار»، «حق»، «به نفع غیر» و به «ضرر خود» بر می‌خوریم.

چنانچه شخصی از روی قصد و اختیار به وجود حقی بر ذمه خود به نفع شخص یا اشخاص دیگر خبر دهد اصطلاحاً می‌گوییم او به امر مزبور اقرار کرده است. بنابراین هر کدام از عناصر چهارگانه مزبور در بیان شخص و یا نوشته کتبی در فضای مجازی موجود نباشد نمی‌توانیم آن را اقرار بنامیم چنانچه خبر مزبور از نفعی برای خبردهنده به ضرر دیگران مطلبی بیان کند آن را ادعا گویند که خبردهنده یا مدعی باید آن را اثبات نماید و در صورتی که خبر مزبور به نفع شخص یا اشخاصی و به ضرر شخص یا اشخاصی غیر از خبر دهنده باشد، آن را شهادت نامیده اند که در صورت حصول جمیع شرایط شهادت، به

نفع و ضرر دیگران قابل استناد و استفاده خواهد بود و در صورتی که خبر مزبور از وجود حق یا دینی بر ذمه خبردهنده، خبر ندهد نمی توان به آن اطلاق اقرار نمود زیرا مقنن صرفاً چنین اخباری را که واجد شرایط لازم و فاقد موانع قانونی و شرعی باشد اقرار می داند. (رستمی چلکاسری، ۱۳۹۰، صص ۷۸-۶۳).

برخی از فقها برای تعریف اقرار گفته اند؛ «اقرار خبردادن جازم به حقی است که برای خبر دهنده الزام آور است یا خبر دادن به چیزی است که حقی یا حکمی علیه خبردهنده به دنبال می آورد و یا خبردادن از نفی حقی است از او یا نظیر آن، مانند آن که بگوید تو از من فلان مبلغی می خواهی، نزد من یا بر ذمه من فلان چیز هست یا، آن چه در دست دارم از فلانی است یا جنایتی به فلانی کردم یا، دزدی یا زنا کردم یا، مانند آنچه مستلزم قصاص یا حد شرعی است یا «من» فلان حقی ندارم و یا آنچه فلان تباه کرده از من نیست و آنچه بدین شباهت دارد، به هر زبانی که باشد معتبر در اقرار جزم است به معنی عدم تردید. و اگر بگوید گمان می کنم یا احتمال می دهم که از من فلان مبلغ می خواهی این قول، اقرار نیست» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۲، ۲، ۴۹).

۳- اقرار در فضای مجازی

۳-۱- اقرار صوت ضبط شده

با توجه به آنچه آمد، آیا اقرار در فضای مجازی امکان وقوع دارد؛ بسیار پیش می آید که وقتی به شخصی دسترسی نیست مدعی یا منکر به نوار صوتی بجا مانده از او برای استناد استفاده کنند یا در مقابل هم از این ابزار جهت گرفتن اقرار بهره ببرند. چه در ایران و چه در محاکم اکثر کشورها اثر و ارزش اثباتی نوار صوتی عموماً بسیار پایین و کم اهمیت است. البته در دادگاه بنابر حسب موضوع می تواند به عنوان قرائن و امارات مطرح شود.

۳-۲- اقرار تلفنی

در صورت فاصله زیاد این روش هم قابل بهره گیری است. اینکه مقر از راه دور و از طریق تلفن به جرمش اقرار کند. هر دو حالت اقرار تلفنی و اقرار ضبط شده در نوار یا فایل صوتی نهایتاً بنا به صلاحدید قاضی که تشخیص بدهد برایش علم آور باشد می تواند تا حد قرائن و امارات بالا بیاید و مورد استناد قرار بگیرد. این دو اقرار صوتی (صوت ضبط شده و تلفنی) چالش های بسیاری برای اثبات پیش رو دارند که ردّ

آنها را آسان می‌کند.

۳-۳- ویدئویی

در این نوع اقرار از طریق تصاویر ویدئویی، برای ثبت و ضبط اقرار مقرر استفاده می‌شود و این تصاویر به عنوان ادله اثبات به دادگاه ارائه می‌شود. در این روش فیلم ضبط شده از مقرر در اختیار قاضی قرار می‌گیرد و آنچه که روی می‌دهد بر مبنای همین نوار ویدئویی ارائه شده انجام می‌پذیرد. ارزش اثباتی نوار ویدئویی و هم در حد دلیل الکترونیکی قابل پذیرش و بررسی است. از این‌ها که بگذریم سؤالی که مطرح می‌شود این است اگر دست خط امضاء شده و محکم شده با اثر انگشت توانایی اثبات اقرار خارج از دادگاه را دارند چطور می‌توان گفت نوار ویدئویی که توأمان صدا و تصویر مقرر را نشان ما می‌دهد اثری کمتر از اقرار کتبی دارد؟

۳-۴- ویدئو کنفرانس

سیستم ویدئو کنفرانس در قوه قضائیه یک تحول بزرگ است در نظام دادرسی و حفظ حقوق شهروندی است. با اجرای این طرح امور منتهی به فرار متهم و تبانی متهم با شهود حذف شده و علاوه بر این مقامات قوه قضائیه و رؤسای مجتمع‌های قضایی می‌توانند از داخل اتاق خو با هر متهمی که بخواهند صحبت کنند.

در صورت در دسترس نبودن مقرر و با دوری مسافت این روش هم کارایی دارد و نسبت به اقرار ویدئویی مزایای بیشتری دارد از جمله اینکه تصاویر به شکل زنده رد و بدل می‌شود و هم قاضی می‌تواند مقرر را ببیند و هم مقرر قاضی را.

ویدئو کنفرانس نوعی شبیه‌سازی یک نشست حضوری است. تمام آنچه که در یک جلسه رخ می‌دهد نظیر صحبت کردن، استماع صحبت دیگران، نمایش اسناد و تصاویر و مستندسازی در یک جلسه ویدئو کنفرانس برای نقاط مجزا از هم وقتی نقاط دوردست قابل اجرا است. گرچه ملاقات حضوری بهترین راه ایجاد ارتباط است ولی ویدئو کنفرانس با توجه به شرایط و محدودیت‌ها می‌تواند بهترین و مناسب‌ترین جایگزین برای ملاقات رودررو باشد. البته قطعاً کمبود، و ایراداتی هم دارد که به مرور زمان و آسیب‌یابی‌های تیم‌های پشتیبان در جهت رفع آن و بهره‌گیری هر چه بیشتر از آن بهره‌برد. همچنین در آیین دادرسی کیفری جدید که سال‌هاست در انتظار تصویب است ویدئو کنفرانس به شکل جدی مطرح شده

است. و این هم نشان از ظرفیت این نوع حضور مجازی در دادگاه‌ها است.

۴- مشروعیت اقرار در فضای مجازی

قبل از بحث پیرامون مشروعیت اقرار در فضای مجازی، لازم است دلایل مطرح شده در مورد حجیت اقرار از قرآن و روایات مورد بررسی قرار گیرد

۴-۱- آیات قرآن کریم:

«... قَالَ ۚ أَقْرَرْتُمْ ۚ وَ أَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذٰلِكُمْ ۖ اِصْرٰی قَالُوۡا اَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوۡا وَ اَنَا مَعَكُمْ مِّنَ الشَّاهِدِيۡنَ» (قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۸۱). یعنی «و یاد کن آنگاه که خدا از پیغمبران (و امتهاشان) پیمان گرفت که چون به شما کتاب و حکمت بخشیدم سپس بر شما (اهل کتاب) رسولی از جانب خدا آمد که گواهی به راستی کتاب و شریعت شما می‌داد به او ایمان آورده و یاری او کنید؛ خدا فرمود: آیا اقرار داشته و پیمان مرا بر این امر پذیرفتید؟ همه گفتند: اقرار داریم. خدا فرمود: گواه باشید، من هم با شما گواهم.»

«وَاٰخِرُوۡنَ اَعْتَرَفُوۡا بِذُنُوۡبِهِمْ ۖ خَلَطُوۡا عَمَلًاۙ صَالِحًا وَّ اٰخَرَ سَيِّئًاۙ عَسٰی اللّٰهُ اَنْ يُّتُوۡبَ عَلَيْهِمْۗ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوۡرٌ رَّحِيۡمٌ» (قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۱۰۲). یعنی: «و بعضی دیگر از آن‌ها به گناهان خود اعتراف کردند که عمل صالح و فعل قبیح هر دو به جای آوردند، امید باشد که خداوند توبه آنان بپذیرد که البته خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.»

«... كُوۡنُوۡا قَوّٰمِيۡنَۙ بِالْقِسْطِۙ شٰهَدَآءَ لِلّٰهِ وَ لَوۡ عَلٰی اَنْفُسِكُمْۗ ...» (سوره نساء آیه ۱۳۵) یعنی «... برپاکنندگان عدل و داد باشید و برای خدا گواهی دهید، هرچند به زیان شما باشد ...».

«قال النبی (ص): «اِقْرَارُ الْعُقَلَاءِ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ جَائِزٌ» (حر عاملی، (بی‌تا)، ۱۶، ۱۱۱) یعنی: اقرار خردمندان علیه خودشان جایز است.

«قال النبی (ص): قُولُوا الْحَقَّ وَ لَوۡ عَلٰی اَنْفُسِكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۷۱) یعنی: حق بگویید اگرچه به ضرر شما باشد.

«مُرْسَلٌ عَطَارٌ اِذَا اَمَامٌ صَادِقٌ (ع) (حر عاملی، الوسائل: همان، حدیث ۱) «الْمُؤْمِنُ اَصْدَقَ عَلٰی نَفْسِهِ مِّنْ سَبْعِيۡنَ مُؤْمِنًا»

یعنی: مؤمن بر ضرر خودش از هفتاد مؤمن راستگوتر است.

- خبر جَرَّاحِ مدائنی از امام صادق (ع): « لا اقبل شهادة الفاسق الا على نفسه » (حر عاملی، باب ۶ از ابواب کتاب الاقرار، حدیث ۱) یعنی؛ شهادت فاسق را جز به ضرر خودش نمی‌پذیرم. دلالت هر یک از آیات و روایات مذکور بر حجیت اقرار، در جای خود توسط علمای اسلامی مورد بحث و نقد قرار گرفته است. از جمله این که در آیه ۸۱ آل عمران اقرار مردم در مقام بیان و اعلام اراده و تراضی به پیمانی است که از سوی خداوند پیشنهاد گردیده و بر این عقد مشهود موثقی که ملائکه و پیامبرانند، قرار داده شده است و این ارتباطی با حجیت اقرار ندارد. آیه ۱۰۲ توبه نیز مفید یک حکم جزئی است و نمی‌تواند وسیله استنباط حکم کلی و مثبت حجیت اقرار هر عاقلی به زیان خویش باشد. در آیه ۱۳۵ سوره نساء اقرار عقلا از مؤمنین را مشروط بر اینکه واجد شرایط شهادت باشد به زیان خودشان اثبات می‌نماید. هر چند به نظر بعضی از فقهاء، امر و دستور خداوند در وجوب ادای شهادت به زیان خود، قاعده اقرار را ثابت می‌کند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ۳، ۴۴).

روایات نیز اولاً درصدد وضع قاعده کلی تحت عنوان "اقرارالعقلا علی انفسهم" جایز نبوده بلکه در پی آن است که اقرار فاسق را در حق خودش به طور استثناء بپذیرند. ثانیاً بعضی از این روایات اختصاص به مؤمنین دارد و به طور واضح بر نفوذ اقرار عقلا بر ضرر خودشان دلالت ندارد (یزدی، محقق داماد، ۱۳۹۲، ۱۲۴ تا ۱۲۲).

اما عمده‌ترین دلیلی که مشهور فقها به آن استناد کرده و عامه و خاصه آن را از رسول خدا (ص) نقل نموده‌اند، حدیث اول است که می‌فرماید؛ «اقرارالعقلا علی انفسهم جائز» (حر عاملی، بی‌تا، ۱۶، ۱۱۱) این روایت اگر چه در کتب روایی نیامده ولی به جهت تواتر و استناد مکرر به آن ضعف روایی آن جبران می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۵، ۳).

بر اساس روایت فوق و روایات متعدد دیگری که در ابواب مختلف فقه مانند وصیت، حدود و دیات و قصاص آمده و حسب مورد دلالت بر حجیت اقرار دارد، به طریق وحدت ملاک می‌توان دریافت هر فرد عاقلی که به امور باطنی خویش آگاه است، هرگاه به زیان خود اقرار کند، باید حکم به صحت آن نمود و بر علیه مقرر حکم شود و بناء عقلا و خردمندان نیز همین است. با این توضیح که تمامی ملت بر نفوذ اقرار هر عاقلی علیه خودش متفق القولند و اقراری را که مقرر عاقل علیه خودش می‌کند، طریقی می‌دانند که مثبت «مقرّب» است، زیرا عاقلی که می‌داند اقرارش علیه خودش می‌باشد، به ضرر خویش اقرار می‌نماید، پس اگر دیده شد که شخص به ضرر خودش اقرار کرده معلوم می‌شود که می‌خواهد به بیان واقع

بپردازد.

۴-۲- اطلاق ادله

آنچه تاکنون مطرح شده پیرامون مشروعیت اقرار در فضای غیرمجازی است. حال سؤال این است که آیا این حکم شامل اقرار در فضای مجازی نیز می‌شود؟ فضای مجازی به عنوان بازتابی از عملکرد جهان واقعی است. برخی در تعریف فضای مجازی گفته‌اند: « فضای مجازی یا فضای الکترونیکی عبارت است از مجموعه ای از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق رایانه و وسایل مخابراتی بدون در نظرگرفتن جغرافیای فیزیکی است » البته شاید بهتر باشد که به عنوان تعریف جامع و کاملتر، فضای مجازی و سایبری را این گونه تعریف کنیم: « فضای مجازی محیط الکترونیکی واقعی است که ارتباطات انسانی به شیوه ای سریع و واقعی، فراتر از مرزهای جغرافیایی و با ابزار خاص خود، در آن زنده و مستقیم روی می‌دهد».

قید واقعی، مانع از آن است که تصور شود مجازی بودن این فضا به معنای غیرواقعی بودن آن است، چرا که در این فضا نیز همان ویژگی های تعاملات انسانی در دنیای خارج هم چون مسئولیت وجود دارد، ضمن این که فضای سایبری در واقع یک محیطی است که ارتباطات در آن انجام می شود، نه صرف مجموعه ای از ارتباطات. از سوی دیگر این ارتباطات اگر چه ممکن است در همه شرایط آنلاین نباشند، ولی زنده و واقعی و مستقیم است. از این رو تأثیر و تأثر بالایی در این روابط رخ می‌دهد (عباسی و مرادی، ۱۳۹۴، ۴۴).

باتوجه به آنچه آمد و با عنایت به همترازی حکم اعمال اینترنتی و نوع سنتی از آن، با تمسک به اطلاق ادله می‌توان حکم تکلیفی و وضعی مترتب بر اقرار در فضای مجازی را در مورد اقرار در فضای مجازی صادق دانست. اطلاق ادله آیات و روایات وارده در رابطه با اقرار با اعمال سنتی و کلاسیک یعنی از طریق تکلم و لفظ، مقتضی تعمیم حکم به نوع مجازی و اینترنتی آن نیز می‌باشد. توضیح مطلب آن که از جمله ادله اجتهادیه که در ابواب گوناگون فقه مورد استفاده فقیهان است و فوائد و فروع گوناگونی بر آن مترتب می‌شود، «اطلاق» است و از آنجا که این دلیل مبتنی بر بنای عقلاء و مورد امضای شارع مقدس است (مظفر، ۱۴۳۰، ۱، ۷۷-۷۶). هیچ کس در حجیت و اعتبار آن، مناقشه ننموده است. در مورد اقرار در فضای مجازی، مقتضای ادله اقرار این است که اقرار هر فرد عاقل بالغ قاصد مختار و آگاه به امور

باطنی خویش، به زیان خود نافذ و الزام آور است و این نفوذ و التزام اختصاص به فضای غیرمجازی ندارد بلکه از باب قضایای حقیقیه در فضای مجازی نیز تحقق دارد.

توضیح بیشتر این که در قضایای خارجی حکم نسبت به افراد موجود در خارج ثابت است اما در قضایای حقیقیه حکم تابع موضوع آن است چه اکنون موجود باشد یا قبلاً وجود داشته و یا در آینده به وجود خواهد آمد. مثلاً قضیه حقیقیه «آتش گرم است» شامل آتش‌های گذشته و حال و آینده می‌شود، هر چند به هنگام گفتن آن هیچ آتشی هم روشن نبوده باشد. بدون تردید غالب احکام شرعی به صورت قضایای حقیقیه است نه قضایای خارجی، بنابراین مصادیق آن منحصر به آنچه در زمان صدور حکم و در عصر ائمه اطهار (ع) موجود بوده، نمی‌شود بلکه شامل تمام مصادیقی که در طول زمان‌ها و مکان‌ها بر آن یافت می‌شود، خواهد شد. اصل و معیار بنیادین بر این است که احکام در سیستم تشریح الهی همیشه از نوع دوم و با ویژگی فراگیر و شمول زمانی و مکانی اند مگر این که شارع به گونه‌هایی موقتی بودن آن را ابراز کند و به اطلاع همگان برساند که در این صورت اصطلاحاً به آن «نسخ» گویند. برای این که یک حکم فراگیر زمانی و مکانی تشریح شود، شارع همه مصادیق‌های موجود یا مصادیق‌هایی که به وجود خواهند آمد را در نظر می‌گیرد و با استفاده از قضیه حقیقیه، حکم را انشاء می‌کند.

در مسأله حاضر نیز با در نظر گرفتن اطلاق و عموم آیات و روایات در رابطه با اقرار کلاسیک و سنتی (غیرفضای مجازی) به راحتی می‌توان مشروعیت اقرار در فضای مجازی و اینترنتی را اثبات نمود. بنابراین همان طوری که اقرار در فضای غیرمجازی هرگاه با تمام شرایط و قیودش یعنی اخبار به وجود حق، نفع برای غیر و ضرر مقرر و از روی عقل و قصد و اختیار و بعد از بلوغ باشد، نافذ است. نوع الکترونیکی آن نیز در صورت وجود تمامی عناصر و شرایط، نافذ و لازم است.

ممکن است گفته شود که ائمه (ع) مکلف به بیان مسائلی که در زمان ما احداث شده، نمی‌باشد، لذا چگونه می‌توان به اطلاعات تمسک جسته و حکم بسیاری از مسائل مستحدثه هم چون مسئله مورد بحث را استنتاج نمود. وانگهی با فحص و جستجو در روایات روشن می‌شود که ائمه (ع) مکلف به بیان مسائل شرعی در زمان ما نبودند و به تبع آن تمسک به اطلاعات یا عمومات روایات صادر شده از اهل بیت (ع) نسبت به استنتاج حکم مسائل مستحدثه صحیح نیست، از جمله این روایات، روایات مفسر آیه «و لکل قوم هاد» (رعد، ۷) است که از میان آنها می‌توان به روایت صحیحه برید بن معاویه عجلی از امام باقر (ع) اشاره نمود که رسول خدا (ص) فرمود: «و لکل زمان مینا هاد یتهدیهم الی ما جاء به نبی الله ثم

الهُدَاهُ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيُّ ثُمَّ الْاَوْصِيَاءُ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱، ۱۹۱). بر اساس مضمون این روایت، بار مسئولیت هدایت مردم توسط ائمه (ع) مختص مردمی است که در زمان ائمه (ع) زندگی می کردند و طبیعتاً ائمه (ع) تنها نسبت به مردم این دوره زمانی وظیفه بیان دارند و نسبت به هدایت نسل پس از خود، وظیفه ای را متحمل نبوده و وظیفه بیان نیز نداشتند و به تبع آن نمی توان در امور مستحدثه هم چون مسئله حاضر یعنی اقرار در فضای مجازی به اطلاق روایات تمسک کرد.

به نظر می رسد اشکال فوق محل خدشه است زیرا استدلال فوق در صورتی می تواند صحیح باشد که ائمه (ع) در این روایات در مقام بیان خصوصیات واقع به همان صورتی که هست، باشند که تنها در این صورت با توجه به انعقاد اطلاق برای کلام، عدم ذکر می تواند کاشف از عدم وجود و به تبع آن افاده اختصاص کند؛ یعنی عدم ذکر هدایت گری امام (ع) نسبت به هدایت نسل های آینده در این روایت، می تواند کاشف از متحمل نبودن امام (ع) به عنوان هادی نسل های آینده باشد. ولی اگر ائمه (ع) در این روایات تنها در مقام حکایت حیثی واقع و اصل حکم بدون در نظر گرفتن خصوصیات واقع به همان صورتی که هست، باشند، در این صورت با توجه به این که اختصاص مدلول مطابقی کلام است و از طرفی اطلاق نیز در این صورت نمی تواند برای کلام منعقد شود، باید گفت که از عدم ذکر نمی توان عدم وجود را استفاده نمود. بر این اساس در صورت دوم، ذکر وظیفه هدایت گری امام (ع) نسبت به نسل - های زمان خود، نمی تواند دلالت بر نفی هدایت گری امام (ع) نسبت به نسل های آینده کند.

افزون بر آن چه آمد، روایات متعدد دیگری به عنوان قرینه وجود دارد مبنی بر این که امام (ع) در امثال روایت فوق در مقام بیان اصل حکم است، مانند توقیع امام زمان (ع) به اسحاق بن یعقوب در رجوع به سوی روات احادیث در رخدادهای زمان غیبت (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۲، ۴۸۵-۴۸۳؛ طوسی، ۱۴۱۱، ۲۹۱) که این امر مستلزم آن است که روایات ائمه پیشین از جمله برید بن معاویه نسبت به نسل های بعدی نیز در مقام بیان باشند، وگرنه مضمون آن با روایاتی هم چون توقیع مذکور منافات پیدا می کند.

ممکن است گفته شود اقراری که به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا در روایات آمده، منصرف به نوع سنتی و فیزیکی آن است زیرا در اکثر مواقع به صورت سنتی انجام می شود و این انصراف مانع از تمسک به اطلاق می شود. اما به نظر می رسد این اشکال وارد نیست زیرا انصرافی که جلوی تمسک به اطلاق را می گیرد، در صورتی است که منشأ انصراف و انس ذهن، کثرت استعمال لفظ مطلق در مقید باشد نه صرف غلبه وجودی (یعنی کثرت افراد مقید) که در این صورت انصراف بدوی بوده و اعتباری ندارد (آخوند

خراسانی، ۱۴۰۹، ۷۲؛ ابروانی، ۱۳۷۰، ۱، ۱۰۰). وانگهی اثبات کثرت استعمال اقرار در فضای غیرمجازی در جامعه امروزی که جامعه ای تکنولوژی و فناوری بوده و عصر کنونی عصر مجازی و اینترنتی است، به صورت قطعی و یا حتی ظنی معلوم نیست و در نتیجه مانع تمسک به اطلاق نمی‌گردد.

۴-۳- تنقیح مناط قطعی

دلیل دیگری که می‌توان از آن در مشروعیت اقرار در فضای مجازی بهره جست، تنقیح مناط است. تنقیح مناط از روش‌هایی است که مجتهد به وسیله آن قصد شارع را از کلام (نص) وی استخراج می‌کند و حکم واقعه‌ای را که در مورد آن نص وجود دارد، به واقعه‌ای دیگر که در مورد آن نص وجود ندارد، سرایت می‌دهد، و آن در جایی مطرح می‌گردد که شارع حکم واقعه و مناط آن را بیان نموده و همراه بیان مناط آن، اوصافی را ذکر کرده که مجتهد یقین دارد بعضی از این اوصاف در تعلق حکم به موضوع و یا واقعه دخالت ندارد. به همین دلیل از راه شناسایی و حذف آنها، مناط حقیقی حکم شارع را به دست آورده و از این طریق دامنه حکم را گسترش می‌دهد و موضوعات دیگری را که در مورد آن، نص وارد نشده، در تحت آن داخل می‌نماید (شعرانی، ۱۳۷۳، ۱۸۵؛ حکیم، بی‌تا، ۳۱۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸، ۲، ۵۱۹). تنقیح مناط در صورتی که قطعی باشد، از باب طریقت ذاتی قطع، حجت اس (میرزای قمی، ۱۴۳۰، ۲، ۸۵؛ انصاری، ۱۴۰۴، ۲۶۵). زیرا حقیقت قطع چیزی جز کشف واقع برای انسان نیست و کشف حقیقت جزء ذات و ماهیت قطع بوده و از آن جدا شدنی نیست.

با توجه به آنچه آمد، علت و مناط حکم در حجیت اقرار به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا این است که انسان عاقل که بیش از همه نسبت به خود آگاهی دارد و چیزی که واقعیت نداشته و به زیان وی باشد، هرگز بدان اعتراف نمی‌کند، هرگاه به ضرر خود و به نفع دیگری به وجود حقی - اعم از مادی و معنوی، مالی و غیر مالی - که متعهدله حق مطالبه آن را داشته باشد، اقرار نماید، چه مستقیم باشد مانند اقرار به طلب دیگری در دعوای خواهان از او، یا غیرمستقیم مانند اقرار به تأخیر در انجام تعهد در دعوای مطالبه جبران خسارت ناشی از انجام ندادن تعهد، این اقرار صحیح و نافذ است. بدیهی است این مناط و علت حکم در فضای سنتی و غیرمجازی اقرار نمی‌تواند هیچ خصوصیتی داشته باشد. بدون شک مناط فوق در اقرار در فضای مجازی نیز وجود دارد، از این رو می‌توان حکم تکلیفی و وضعی اقرار در فضای مجازی را استنتاج کرد.

۴-۴- بناء عقلاء

همه عقلاء و خردمندان در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها و در هر قاره‌ای و کشوری بر نفوذ اقرار هر عاقلی بر علیه خودش اتفاق نظر دارند و اقرار او را مثبت «مقرَّبَه» دانسته و الزام آور می‌دانند. شارع مقدس اسلام نیز چنین روشی را ردع نکرده است. حتی بعضی از فقهاء پا را از این فراتر گذاشته و حجیت و نفوذ اقرار هر عاقلی به زیان خودش را حکم ضروری همه ادیان و ملل دانسته‌اند (نراقی، ۱۴۰۸، ۱۷۱؛ مراغی حسینی، ۱۳۷۴، ۳۰۳) و در این جهت فرقی بین اقرار در فضای مجازی و غیر فضای مجازی وجود ندارد. بر اساس بناء عقلاء اولاً قاعده ای عام و کلی و فراگیر وجود دارد که دلالت بر الزام آور بودن اقرار به هر نحوی می‌کند. ثانیاً مفاد آن عام و جهان شمول بوده و در تمام ملل و نحل و در میان همه خردمندان قابل استناد است.

ممکن است گفته شود از جمله شرایط حجیت بناء عقلاء آن است که مورد تقریر و تأیید شارع قرار گرفته و از ناحیه او ردعی صورت نگرفته باشد، در حالی که مورد بحث یعنی اقرار در فضای مجازی در زمان شارع مقدس وجود نداشته تا بتوان اثبات نمود که سیره عقلاء مورد تأیید و عدم ردع شاعر قرار می‌گیرد؟

آنچه در پاسخ می‌توان گفت این که مطابق با نظر مشهور اگرچه همزمانی و معاصرت بناء عقلاء با عصر شارع به عنوان یکی از شروط حجیت بناء عقلاء است، اما در اثبات معاصرت مزبور باید گفت که اگر معصوم (ع) بناء عقلاء را ردع کرده باشد، باید چنین ردعی به دست ما رسیده باشد و حال آن که چنین نیست. وانگهی امضایی که از سکوت معصوم به دست می‌آید بر مبنای آن نکته ثابت عقلایی در بناء عقلاء است نه بر اساس سلوک فعلی عقلاء در آن عصر. از این رو ظاهر از حال معصوم (ع) این است که بنای عقلاء را امضای کبروی نموده و اختصاص به زمان قرار نداده است لذا نفس وجود طبع عقلاء به شرط عدم ردع از طرع شارع، کفایت می‌کند بر این که شارع مقتضایی آن طبع عقلایی را امضاء نموده است. بنابراین اگر طبع و ارتکاز عقلایی که پایه آن رفتار است بتواند مینا و پایه رفتارهای دیگری نیز که در زمان شارع به دلیل نداشتن موضوع یا هر دلیل دیگری وجود نداشته‌اند، قرار گیرد، در این صورت آن رفتارهای دیگر نیز دارای حجت گشته و معتبر می‌شوند چرا که پایه آنها که همان ارتکاز و طبع فراگیر عقلایی بوده، در زمان شاعر تأیید و تقریر شده است (صدر، ۱۴۱۸، ۱، ۲۶۴؛ همو،

بی‌تا، ۴، ۲۴۷؛ مجمع فقه اهل البیت، ۱۴۲۳، ۳۳۶-۳۳۵).

به بیان دیگر حجیت سیره بر مبنای قضیه طبیعیه بوده و در بنای عقلاء همین بس که ثابت شود آن کار بر مبنای طبیعت عقلایی انجام گرفته است، هر چند که ائمه بدان عمل نکرده باشند، در این صورت اگر مورد ردع قرار نگرفته باشد، همواره اعتبار دارد. بنابراین «بناء عقلاء بما هم عقلاء» به عنوان یک قضیه طبیعیه حجت است و اختصاص به عرف زمان پیامبر (ص) و امام (ع) ندارد. اگر بنای عقلاء را مختص به سیره زمان پیامبر (ص) و امام (ع) بدانیم، در واقع در یک قضیه طبیعی حکم را به فرد سرایت داده ایم که این اصلاً منطقی نیست (صدر، ۱۴۱۸، ۱، ۲۶۴).

۵- اقرار در دادگاه یا خارج از آن

عده‌ای شاید اشکال کنند که اقرار از طریق مجازی از آنجائی که در دادگاه نیست، اعتبار ندارد زیرا شرط حجیت و اعتبار اقرار این است که در نزد حاکم باشد. توضیح مطلب این که بعضی معتقدند که در حقوق الله متهم باید در دادگاه اقرار نماید. مثلاً اگر زنی یا مردی در دادسرا چهار مرتبه اقرار نماید، ولی در دادگاه انکار کند، رئیس دادگاه کیفری نباید به اقراری که متهم در دادسرا نموده است ترتیب اثر بدهد و استدلال می‌شود که: اقرار باید نزد حاکمی باشد که می‌خواهد انشاء حکم نماید. چون در بعضی روایات آمده است: "اذا اقر عند الامام" و مستفاد از تقید اقرار به "عند الامام" آنست که اقرار نزد غیر امام معتبر نیست، لیکن این استدلال فاقد وجاهت علمی و شرعی است، زیرا اولاً مفهوم از "امام" مطلق حاکم و قاضی است و در دادسرا نیز "اقرار" عند الامام "صدق می‌کند و کلمه امام فقط اختصاص به قاضی منشی حکم ندارد. ثانیاً دلالت روایت بر عدم اعتبار "اقرار عند غیر الامام" از باب دلالت مفهوم لقب است و مفهوم لقب ضعیف‌ترین اقسام مفهوم است و قابل اعتبار عرفی و شرعی نیست.

ثالثاً دلیل بر حجیت اقرار سیره عقلا است و عقلا اقرار را به ما هو اقرار حجت می‌دانند و برای آن قائل به خصوصیتی نمی‌باشند. مگر آنکه دلیل معتبری وجود داشته باشد که اقرار باید "عند الامام" باشد و چنین دلیلی هم نیست. و اقصی دلیلی که می‌تواند، دلیل باشد همان روایت است که گفتیم دلالتش از باب مفهوم لقب است و مفهوم لقب همچنانکه در اصول محقق شده است نمی‌تواند مورد استناد واقع شود. در واقع تقید به "عند الامام" برای آن بوده است که در زمان صدور روایت، غالباً "اقرار عند الامام" بوده است، نه آنکه برای چنین اقراری خصوصیتی وجود داشته است. کوتاه سخن آنکه عرف از "عند الامام" خصوصیت را در نمی‌یابد و قید را بر مفهوم حمل نمی‌کند (مرعشی، ۱۳۶۴، ۱، ۳۷-۳۸).

آن چه می‌توان گفت این که اقرار مبتنی بر بنای عقلاء است و اگر هم دلیل شرعی از آیه و روایت بر آن نمی‌بود، در حجیت آن تردیدی وجود نداشت. از این رو اقرار از احکام ارشادی اسلام است و هر حکم عقلی به دلیل عقلایی بودن قابل تخصیص نیست، لذا این که در روایات تاکید شده که اقرار نزد حاکم باسشد حداقل در امور حقوقی فی نفسه موضوعیت نداشته و طریقیست دارد به جز در امور کیفری که از باب تفسیر مضیق قید (عند الامام) را می‌توان لحاظ کرد. وانگهی قید مذکور که اقرار حضوری و در نزد حاکم را مطرح می‌کند، از باب مصداق غالب و بارز آن است و اقرار در فضای مجازی نیز می‌تواند در قالب ویدئو کنفرانس و یا ویدئو و اگر در دادگاه باشد به نوعی نزد حاکم محسوب شود و از این جهت اعتبار اقرار به قوت خود باقی است.

به همین دلایل و بطور اخص بر همین مبنای سیره عقلا می‌توان بر اقرار از طریق مجازی هم صحه گذاشت. به این معنا که اقرار در فضای مجازی از آن جهت اقرار است، و معتبر بوده و قید «عند الامام» در آن شرط نیست. به این ترتیب از منظر فقهی و حقوقی ارائه اقرار لزوماً با حضور در دادگاه نیست که عدم حضور شخص مقر در دادگاه نافی اقرار باشد. یعنی اگر اقرار کننده از راه دور از طرق مختلف اقرار خود را به دادگاه برساند اقرارش نافذ است و قاضی موظف به این است که به آن توجه کند.

اما از منظر حقوق دانان و رویه قضایی فعلی هم خصوصاً در حقوق کیفری بحث عند الحاکم بسیار محکم تر و جدی تر مطرح شده است اما با این حال امکان بهره بردن از این شیوه باز هم وجود دارد. در حقوق فرانسه اقرار به دو نوع اقرار قضایی (اقرار در دادگاه) و اقرار غیرقضایی (اقرار خارج از دادگاه) تقسیم شده (گُدیویل، ماده ۱۳۵۴)، و اقرار قضایی به اقرار شخص یا نماینده او در دادگاه تعریف شده است «قانون مدنی فرانسه» به بیان اعتبار اقرار در دادگاه و غیرقابل تجزیه بودن آن، و عدم امکان رجوع از آن، مگر در اشتباه حکمی پرداخته، ولی از بیان اقرار خارج از دادگاه سکوت کرده که می‌توان گفت احکام آن را به قواعد عمومی واگذار کرده است و قاضی باید با توجه به اوضاع و احوال، درجه اعتبار و قابل تجزیه یا رجوع بودن آن را تشخیص دهد (جندی، ۱۹۷۶، ۱، ۱۱۸).

براساس این گفته در حقوق فرانسه به قاضی اختیار پذیرش اقرار غیرقضایی را داده است و به تشخیص او واگذار کرده است. در نظام حقوقی آنگلوساکسون نیز اقرار به دو نوع قضایی و غیرقضایی تقسیم شده است. در قوانین برخی از کشورهای عربی چون «اصول محاکمات مدنی» لبنان (ماده ۲۱۰)، «قانون مدنی» لیبی (ماده ۳۹۸) و «قانون بینات» سوریه (ماده‌های ۹۴، ۱۰۲) به این دو نوع اقرار تصریح شده

است و در برخی دیگر همچون « قانون مدنی » مصر (ماده ۴۰۸) و « قانون مدنی » عراق (ماده ۴۶۱) اگرچه این تقسیم ذکر نشده، ولی در تعریف اقرار « حضور در دادگاه » قید شده است. قوانین این کشورها به بیان احکام اقرار غیرقضایی نپرداخته‌اند، ولی همان‌گونه که در « قانون بینات » سوریه (ماده ۱۰۲) مقرر شده است، ارزشیابی اقرار غیرقضایی با قاضی است و اثبات آن باید براساس قواعد عمومی مربوط به اثبات صورت گیرد (سنه‌وری، ۱۹۶۷، ۲، ۴۷۹-۴۸۲).

همانطور که شاهدیم در میان کشورهای عربی به جز عراق و مصر اقرار خارج از دادگاه هم دیده شده و نافذ است و در سایر موارد اقرار خارج از دادگاه را یا پیش بینی کرده یا در مورد آن سکوت کرده و بهره بردن از آن را به نظر قاضی سپرده است.

به موجب ماده ۲۰۳ ق.آ.د.م: " اگر اقرار در دادخواست یا حین مذاکره در دادگاه یا در یکی از لوایحی که به دادگاه تقدیم شده است به عمل آید، اقرار در دادگاه محسوب می شود، در غیر این صورت اقرار در خارج از دادگاه تلقی می شود. "

۶- اقرار غیر زبانی در فضای مجازی و مقابله با تقلب و تزویر در آن

بر اساس ماده ۶ قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷، داده پیام در فضای مجازی در حکم نوشته است. از آنجا که «نوشته» از بین سایر ادله، تنها در صورت و شکل سند می تواند متبلور شود، لذا مسائل حقوقی عدیده ای مرتبط با اعتبارسنجی اینگونه اسناد بین حقوق دانان مطرح می شود؛ مثلاً آیا سند الکترونیک در حد اطمینان آوری قابل انتساب به صادرکننده آن می باشد یا خیر؟ تشخیص اصل سند از کپی آن و ارائه اصل آن در محاکم، همچنین حفظ اصالت و تمامیت این اسناد الکترونیکی و اینکه تعرض به اصالت این چنین اسناد، چگونه است؟ از مواردی است که تحلیل ها و دیدگاه های متفاوتی درباره آنها مطرح است. قانونگذار در ماده ۶ قانون تجارت الکترونیک و همچنین در آخرین اراده خود در ماده ۶۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری در باب ارزش اثباتی داده پیام عادی مقرر داشته: «هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، داده پیام در حکم نوشته است.....». قید در حکم، به این دلایل است؛ اولاً باتوجه به تعریف داده پیام، محتوی آن می تواند نوشته، صدا، تصویر یا مجموعه ای از آنها و بصورت اشاره و یا هر نماد دیگری از یک واقعیت باشد (زرکلام، ۱۳۸۸، ۱۷۷). لیکن قانونگذار تمامی این موارد را در حکم نوشته می داند. ثانیاً امری که بعنوان دلیل در دستگاه قضایی ارائه می شود، باید در قالب یکی از ادله اثبات دعوا که در قانون آمده است، قرار گیرد (شمس، ۱۳۸۸، ۹۷) تا از ارزش اثباتی آن نوع دلیل

برخوردار شود.

یکی از مصادیق بارز داده پیام، اقرار در فضای مجازی است که به صورت نوشته و کتبی است. می توان اقرار کتبی در فضای مجازی را که معمولاً در قالب هایی نظیر: اطلاعات وبگاه، مفاد شبکه های اجتماعی، پست الکترونیک (رایانامه)، پیام های الکترونیک و ذخیره های رایانه ای ویا بصورت اشاره ای همراه با تصاویر، فیلم های دیجیتالی و نقشه یا نمادها است، بدون فرض تقلب و تزویر پذیرفت. قابل توجه است که در اکثر قالب های مورد نظر می توان اقرار های اراده شده را با روش ها و ابزار ها و نرم افزار های مخصوص مورد تعرض و تغییر قرار داد. در تمام انواع فوق، وظیفه محکمه ها خواهد بود که به کمک کارشناسان فنی، میزان مصداق داشتن معیارهای اعتبار اقرار در حقوق را در این دلیل نوین احراز کنند و معیارهای اعتبار سنجی را در آنها اعمال نمایند.

دادگاه زمانی رسیدگی به اصالت سند را آغاز می نماید که اولاً نسبت به اصالت آن تعرض شده باشد. ثانیاً با توجه به ماده ۱۵ قانون تجارت الکترونیک تعرض نسبت به سند با عنوان متناسب قانونی جعل یا انکار یا تردید طرح شود. ثالثاً در زمان مقرر قانونی، بعمل آمده باشد. با رعایت این موارد، دادگاه قراری به عنوان رسیدگی به اصالت سند صادر می نماید.

ماده ۲۱ قانون تجارت الکترونیک به نوعی درصدد تفکیک اصل داده پیام از رونوشت (پرینت) آن است و مقرر می دارد: «هر «داده پیام» یک «داده پیام» مجزا و مستقل محسوب می گردد، مگر آنکه معلوم باشد آن «داده پیام» نسخه مجددی از «داده پیام» اولیه است». بنابراین مقصود از اصالت اسناد الکترونیکی، اصل در برابر کپی است. در واقع احراز اصل سند امر دشواری است که نیازمند دانش متخصصین و امکانات فنی بالایی است. به همین دلیل قانونگذار شرایطی در مواد مختلف از جمله ماده ۸ قانون تجارت الکترونیک پیش بینی کرده تا کپی آنها را همراستا با اصل آن قرار دهد؛ بنابراین آنچه که روی حافظه جانبی اعم از دیسکت سخت، سی دی و سایر وسایل ذخیره، ارسال و یا چاپ و نمایش داده میشود، از نظر شکلی، همگی تصویر محسوب می شوند (مؤذن زادگان، یوشی، سلیمان دهکردی، ۱۳۹۴، ۷۴) از آنجا که در محیط الکترونیکی می توان به هر تعداد از یک سند، نسخه های متعدد از نسخه اولیه را تکثیر کرد، لذا تشخیص اصل داده الکترونیکی از رونوشت آن از دو نظر واجد اهمیت است.

یکی از حیث ادله اثبات دعوی است. در رسیدگی به دعوی، طرفی که علیه او سندی عادی ابراز شده؛ حق دارد اصل آن را مطالبه کند، وگرنه آن سند از عداد دلایل طرف مقابل خارج می شود (ماده ۹۶ قانون

آئین دادرسی مدنی). این ماده در فضای الکترونیکی، به این مفهوم است که رونوشت سند تا زمانی اعتبار دارد که طرف دعوا نسبت به آن ایراد نکند، اما در صورت ایراد طرف مقابل، باید اصل سند به دادگاه ارائه شود تا تمامیت آن مورد بررسی قرار گیرد. همچنین چنانچه سند الکترونیکی بر طبق مواد ۱۴ و ۱۵ قانون تجارت الکترونیک رسمی باشد، نسبت به آن ادعای جعل شود، طبق ماده ۲۲۰ ق.آ.د. م ادعای جعلیت و دلایل آن به طرف مقابل ابلاغ می‌شود و چنانچه به استفاده از سند باقی باشد، موظف است ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ، اصل سند مورد ادعای جعل را به دفتر دادگاه تسلیم نماید. چنانچه صاحب سند در موعد مقرر از تسلیم اصل سند به دادگاه خودداری کند؛ سند از عداد دلایل او خارج خواهد شد. بنابراین نگهداری و حفظ اطلاعات مطابق شرایط ماده ۸ قانون تجارت الکترونیک در حکم اصل است و در دادگاه پذیرفته می‌شود.

دیگری از حیث اسناد تجاری است که علاوه بر عنصر «تک بودن» (شهبازی‌نیا و عبداللهی، ۱۳۸۸، ۱۳۵) صدور این اسناد عمل حقوقی خاص محسوب می‌شود. مدیون سند تجاری که اصل آن مفقود شده یا متصدی حملی که اصل بارنامه ۱۳ دریایی صادره توسط او به وی ارائه نمیشود، در برابر کپی اسناد که ممکن است متعدد و در اختیار چندین نفر باشند، پول یا کالا تحویل نمی‌دهند؛ زیرا مادامی که این اسناد در دست طلبکار باشند، مدیون نمی‌تواند ادعای براءت ذمه کند. به لحاظ پر خطر بودن اعتماد به کپی برابر اصل، عملاً تا کنون اینگونه اسناد به صورت الکترونیک رواج نیافته‌اند.

البته برخی بی‌نهایت نسخه اصل صادر کردن را از مزایای این اسناد می‌شمارند. به هر حال، علیرغم اهمیت این مطلب، قانونگذار به آن، نپرداخته و ساکت است (صادقی نشاط، ۱۳۹۳، ۸۳).

نکته مهم این است که می‌توان اصل سند، یعنی تمامیت را به شیوه‌های دیگری نیز تأمین کرد؛ زیرا در قلمرو حقوق، شکل و قالب مد نظر نیست، بلکه کارکرد مورد نظر است. با توجه به این کارکرد، در صورتی که تمامیت سند از طریق دیگری - غیر از ارائه اصل سند - احراز شود، آن سند در حکم اصل خواهد بود. برای نمونه ماده ۷۴ قانون ثبت مقرر می‌دارد: «مواردی که مطابقت آن با ثبت دفتر تصدیق شده است، به منزله اصل سند خواهد بود...». بنابراین، ابرازکننده رونوشت سند رسمی الکترونیکی که مطابقت آن با مندرجات اصل سند از مرجعی رسمی تأیید شده باشد، ملزم به ارائه اصل سند نیست (شهبازی‌نیا، عبداللهی، ۱۳۸۸، ۱۲۸). همچنین تاجری که قبلاً با طلبکار در استفاده از سند الکترونیک آن توافق لفظی یا عملی کرده باشد؛ حق نخواهد داشت بعداً به عدم اصالت واقعی سند مزبور استناد کند؛ زیرا

در واقع از حق ایراد مزبور قبلاً صرفنظر کرده است. در غیر اینصورت نمی توان او را ملزم به پذیرش سندی کرد که هیچ اطمینانی در فقدان نسخه های مکرر یکسان از آن نزد سایرین، وجود ندارد.

در انتقال داده پیام، اشخاص و تجهیزاتی دخالت دارند که معمولاً همه آنها تحت مدیریت و نظارت مستقیم صادرکنندگان سند نیستند. قابلیت کشف تغییرات عمدی (مانند جعل) یا ناخواسته و بر اثر اشتباه در داده پیام بدون تمهیدات خاص قابل حصول نیست و امکان تغییرات در مندرجات آنها به دفعات وجود دارد. بدین ترتیب لازم است، به منظور قابلیت دسترسی به اصل اطلاعات و استفاده مجدد پس از تولید و طی زمان ارسال تا وصول و ذخیره، با اعمال روش های فنی اطمینان بخش، به نحو قابل قبولی ایمنی آنها تأمین شود. یکی از روش های مطمئن در تأمین شرط عدم تغییر سند الکترونیک، امضای دیجیتال است. تغییر سند الکترونیکی، اثر فیزیکی باقی نمی گذارد، تنها می توان آنرا با استفاده از روش های فنی اثبات کرد. بعنوان مثال، اگر سندی که دارای امضای دیجیتال است، بعد از امضا، مورد جعل و تغییر قرار گیرد، این تغییر به راحتی قابل تشخیص است؛ حتی می توان از دانش فنی اندکی برای این منظور سود برد؛ در صورتی که از منوی File گزینه Properties سپس گزینه Statistic را انتخاب کنیم، رایانه تاریخ ایجاد فایل و نیز تاریخ آخرین تغییر سند و آخرین تاریخ دسترسی به آن را نشان می دهد که اگر تاریخ تغییر، بعد از تاریخ تنظیم سند باشد، این امر مثبت جعلی بودن سند و تغییر داده پیام است (همان).

مطابق ماده ۲۲۱ قانون آئین دادرسی مدنی، دادگاه مکلف است ضمن صدور حکم راجع به ماهیت دعوی، نسبت به سندی که ادعای جعل شده تعیین و تکلیف نماید. در این موارد چنانچه آنرا اصل تشخیص دهد، معمولاً مبادرت به صدور قرار صحت و اصالت سند کرده و طبق آن حکم مقتضی در ماهیت موضوع صادر می نماید و اگر مصادیق جعل کامپیوتری در ماده ۶۸ قانون تجارت الکترونیک را احراز کند و آنرا مجعول بداند، تکلیف آنکه تمام سند از بین برده شود یا قسمت مجعول سند، ابطال گردد یا اینکه کلماتی محو و تغییر داده شود، را تعیین خواهد کرد.

در محیط الکترونیکی، مصادیق جعل فیزیکی همچون خدشه، تراشیدگی و قلم خوردگی بی معنا است و مدعی جعل، باید جعل را متناسب با فضای الکترونیک اثبات کند. مثلاً اثبات کند که کلید خصوصی یا گذرواژه او افشا شده یا کارت هوشمندش که آنرا برای امور بانکی مورد استفاده قرار می دهد، به سرقت رفته است (شهبازی نیا، عبداللهی، ۱۳۸۸، ۱۳۹).

در این قسمت چند موضوع قابل تأمل است. اولین مطلب در مورد امکان «جعل الکترونیکی» می‌باشد. یعنی وقتی ما بپذیریم که عنوانی مانند دادرسی الکترونیک وجود دارد، به مرور ادله الکترونیکی از جمله CD یا حافظه‌های الکترونیکی که در بردارنده محتواهای اثبات کننده موضوعات مدنی و کیفری هستند، نیز پدیدار می‌گردد. در مورد این ادله نیز، امکان جعل وجود دارد. یعنی ممکن است اقرار مندرج در آنها یا فیلمی که از تصویر یک سارق است، ساختگی باشد. با این اوضاع، نیاز هست تا با این پدیده (جعل الکترونیکی) که نتیجه روی کار آمدن فرایند دادرسی الکترونیک می‌باشد، با استفاده از کارشناسان مربوط، به نحو مقتضی برخورد کرد. البته بحث جعل در ادله، بحث جدیدی نیست، یعنی در ادله سنتی که عمداً بر روی کاغذ مکتوب می‌باشند، نیز ما با عنوان جعل روبرو هستیم، اما شناسایی آن جعل، به ظرافت و دقتی که در ادله الکترونیکی رخ می‌دهد، نیست. بخصوص گاه این جعل در مطالبی می‌باشد که در حین دادرسی اظهار شده و ثبت گردیده است. این پرونده‌ها نیز همانگونه که گفته شد در اینترنت قرار می‌گیرند. با این اوصاف ممکن است افرادی با انجام جعل یا «حک الکترونیکی» آنها را که چه بسا در بردارنده اقرار، نظر کارشناس و سایر ادله الکترونیکی هستند، مورد خدشه قرار دهند. یعنی بحث جعل علاوه بر اینکه راجع به مدارکی است که طرفین به دادگاه تقدیم می‌کنند، بلکه شامل مدارکی نیز می‌باشد که در حین دادرسی (مانند اقرار یا نظر کارشناسی و سایر جزئیاتی که می‌تواند له یا علیه طرفین باشد) بدست آمده و در سایت مربوطه قرار گرفته و ممکن است مورد «استراق سمع» یا تغییر قرار گیرند. پیشنهاد ما برای این قسمت اینست که با استفاده از تکنولوژی‌های قوی، امکان دسترسی افراد به این فایل‌ها به حداقل برسد. به هر حال ما نمی‌توانیم به خاطر وجود چنین ایراداتی، اصل استفاده از فایل‌های الکترونیکی را زیر سؤال ببریم، باید چاره‌ای اندیشیده شود و بهترین آن نیز استفاده از تکنولوژی‌هایی است که کمتر قابل نفوذ می‌باشند.

برای جلوگیری از جرم جعل می‌توان به مکانیسم‌های ایمنی از جمله به «رمزنگاری، نقش نگاری، انگشت نگاری دیجیتالی و دینامیک‌های کلید فشاری» اشاره نمود. رمزنگاری به منظور از بین بردن خطر رهگیری داده‌ها، استراق سمع، تغییر داده‌ها، جعل داده‌ها و تکذیب منشأ و خاستگاه داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. نقش نگاری بمنظور افزودن لایه دیگری از حفاظت در برابر رهگیری، جعل داده‌ها و مهمتر از همه سرقت اطلاعات استفاده می‌شود. انگشت نگاری دیجیتالی جهت جلوگیری از تغییر و جعل داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و در نهایت دینامیک‌های کلید فشاری نیز به منظور جلوگیری از

دسترسی غیرمجاز به داده ها و سرقت اطلاعات به کار می رود (مؤذن زادگان و ...، ۱۳۹۴، ۸۵).

۷- نتیجه گیری

در دادرسی های مجازی، اثبات جرم نیازمند استفاده از ادله ی خاص از جمله ادله ی الکترونیکی است که طرفین دعوی اعم از شاکی، متهم، دادستان و مرجع رسیدگی کننده به شرط قابل استناد بودن باید به آن استناد نمایند.

در آیین دادرسی کیفری ایران فرض بر این است که دادستان باید در کیفرخواست ادله ی اثبات و همچنین در زمان رسیدگی در دادگاه ادله موجود را ارائه نماید، اما باید تأکید نمود که با این حال ادله ی سنتی همواره جوابگوی پرونده های دادرسی مجازی نیست. همچنین ارائه ی اقرار از طریق مجازی غیر ممکن نیست و راه های اطمینان بخشی وجود دارد که بواسطه آن مقر اقرارش را از طریق مجازی به دادگاه ارائه کند و این امر بدون اینکه ارکان اقرار مخدوش شود و خدشه ای به احراز هویت شخص وارد آید، ممکن است. در هر حال اگر ادله الکترونیکی مانند اقرار در فضای مجازی به عنوان یکی از ادله معمول در اثبات دعوی پذیرفته شود که قانوناً چنین است اثبات اصالت و اعتبار آن به عهده استناد کننده می باشد.

مطالعات انجام شده نشان می دهد که در خصوص مفهوم و انواع ادله الکترونیکی اعم از اسناد و امضای الکترونیکی و داده پیام های متضمن سایر ادله باید به قانون تجارت الکترونیکی مصوب سال ۱۳۸۲ مراجعه شود. برای اینکه این ادله قابلیت استناد داشته باشند، باید تردیدی در صحت، تمامیت و اعتبار داده پیام های مرتبط و نیز خدشه ناپذیری آنها وجود نداشته باشد، لذا؛ ضرورت دارد تا هنگام ارائه ادله در دادگاه از آن مراقبت شود برای اینکه چنانچه زنجیره حفاظتی در خصوص یک داده به نحو مطمئن رعایت گردد، می تواند به راحتی در دادسرا و دادگاه قابلیت استناد داشته باشد، النهایه اینکه به دلیل طریقت داشتن این ادله، مرجع قضایی در خصوص تعیین ارزش اثباتی آنها تصمیم می گیرد.

اقرار در فضای مجازی بصورت داده پیام و براساس ماده ۶ قانون تجارت الکترونیکی در نوشته محسوب می شود. اقرار در فضای مجازی با توجه به اطلاق و عموم ادله و بناء عقلاء اقرار مشروعیت داشته و با تنقیح مناط قطعی می توان حکم تکلیفی و وضعی اقرار در فضای مجازی را استنتاج کرد. همچنین بر اساس بررسی های انجام شده در پژوهش اقرار در فضای مجازی، اقرار غیرقضایی و خارج از

دادگاه است و اگر توسط کارشناسان فن اصالت آن تأیید گردد قابل استناد می باشد.

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی

- قران کریم.

- ۱- السان، مصطفی (۱۳۸۵)، جنبه های حقوقی داوری آنلاین، مجله ی نامه حقوقی مفید، شماره ۵۸.
- ۲- جندی، پرویز (۱۹۷۶). فرهنگ عبارات و اشارات حقوقی. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی آفرینه، چ اول.
- ۳- رستمی چلکاسری، عبادالله (۱۳۹۰). بررسی فقهی و حقوقی انکار بعد از اقرار در امور مدنی، مقاله ۴، دوره ۲، شماره ۲، صفحه ۶۳-۷۸
- ۴- زرکلام، ستار (۱۳۹۳). دادرسی‌های الکترونیکی، ضرورت‌ها، الزامات و چالش ها، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۳.
- ۵- شمس، عبدالله، (۱۳۹۵)، ادله ی اثبات دعوا، تهران، دراک.
- ۶- شهبازی نیا، مرتضی، عبدالمهی، محبوبه، (۱۳۸۸)، احراز اصالت در اسناد الکترونیکی، پژوهش های حقوق تطبیقی (مدرس علوم انسانی)، دوره ۱۳، شماره ۴ (۶۳)، از صفحه ۱۲۵ تا صفحه ۱۴۱ .
- ۷- صادقی نشاط، امیر (۱۳۹۳). اعتبار سنجی اسناد الکترونیکی فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۳، شماره ۸، صص ۶۱-۴۶.
- ۸- عباسی، مجید، مرادی، حسین (۱۳۹۴). جنگ سایبر از منظر حقوق بین الملل بشر دوستانه، مجله مجلس و راهبرد، شماره ۸۱.
- ۹- مرعشی، محمدحسن، (۱۳۶۴). قاعده اقرار العقلاء، فصلنامه حق (مطالعات حقوقی و قضائی)، شماره ۴، جلد ۱.
- ۱۰- موسوی خمینی، سید روح .ا. (۱۳۷۲)، تحریر الوسیله، جلد ۴، قم: انتشارات اسماعیلیان. چاپ اول.
- ۱۱- مودن‌زادگان، حسنعلی، یوشی، سلیمان دهکردی، روستا، نرجس (۱۳۹۶). دادرسی الکترونیکی در رویارویی با جرایم رایانه ای: چالش‌ها و بایسته ها، شماره ۱۰۰ علمی-پژوهشی (وزارت علوم) / ISC (28) صفحه - از ۱۶۹ تا ۱۹۶.
- ۱۲- یزدی، سید مصطفی محقق داماد (۱۴۰۶)، قواعد فقه (محقق داماد). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

۱۳- همو، (۱۳۹۲). قواعد فقه (بخش قضایی). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ ششم.

منابع عربی:

- ۱۴- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹). کفایه الاصول. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- ۱۵- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۹۵). کمال الدین و تمام النعمه، تهران، الاسلامیه.
- ۱۶- انصاری، مرتضی (۱۴۰۴). مطارح الانظار. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- ۱۷- ایروانی، علی (۱۳۷۰). نهایه النهایه فی شرح الکفایه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۱۸- حر عاملی، محمد بن الحسن (بی تا). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۹- جوهری، اسماعیل، (۱۹۹۰). الصحاح، به کوشش عبدالغفور عطار. بیروت.
- ۲۰- حکیم، محمدتقی طباطبایی (بی تا). اصول العامه للفقّه المقارن. قم: آل البيت (ع).
- ۲۱- سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۷۶). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید. بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه.
- ۲۲- شعرانی، ابوالحسن (۱۳۷۳). المدخل الی عذب المنهل فی اصول الفقه. قم: مؤسسه الهادی.
- ۲۳- شهید ثانی، زین الدین الجبعی العاملی (۱۳۸۳). الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه: دمشق: نشر مکتب العلام الاسلامی.
- ۲۴- صدر، سیدمحمد باقر (۱۴۱۸). دروس فی علم الاصول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۲۵- همو (بی تا). بحوث فی علم الاصول. بی نا، بی جا.
- ۲۶- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۱). الغیبه، قم: دارالمعارف الاسلامیه.
- ۲۷- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الفروع من الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ۲۸- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶). بحار الانوار. تهران: انتشارات اسلامیه. چاپ دوم.
- ۲۹- مجمع فقه اهل بیت (۱۴۲۳). قواعد اصول الفقه علی مذهب الامامیه، قم: المجمع العالمی لاهل البيت (ع).
- ۳۰- مراغی حسینی، میرفتاح (۱۲۷۴). عناوین الاصول. تبریز: چاپ سنگی.
- ۳۱- مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰). اصول الفقه. قم: انتشارات اسلامی.
- ۳۲- معنیه، محمدجواد (۱۴۰۳). فقه الامام جعفر الصادق. بیروت: انتشارات دارالجواد.

- ۳۳- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸). انوار الاصول. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).
- ۳۴- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۳۷۷). القواعد الفقهیه. قم: الهادی.
- ۳۵- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۳۰). قوانین الاصول. قم: احیاء الکتب الاسلامیه.
- ۳۶- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۳۷- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۰۸). عواید الایام. قم: بی‌نا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی